

The Innovations in the Reformed Act of Check 1397; A step back or a step forward?

*Rabiaa Eskini¹, Saleh Yamrali*²*

1. Professor of Nuclear Science and Technology Research Institute and Mofid University, Qom, Iran..

Email: dreskini@inbox.com

2. Ph.d. in private law, Assistant Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities and Physical Education, Gonbad Kavous University, Gonbad Kavous, Iran.

*. **Corresponding Author:** Email: salehyamrali@gonbad.ac.ir



Publisher:
Shahr-e- Danesh
Research And Study
Institute of Law

Article Type:
Original Research

DOI:
10.48300/JLR.2021.132610

Received:
11 June 2020

Accepted:
26 October 2020

Published:
6 September 2021



S.D.I.L.
The SD Institute of Law
Research & Study

A B S T R A C T

The reformed Act of Check passed in 2018 has spurred innovations in check format, bringing actions, hearing, and banking matters. A number of such innovations are as follows: regarding the check format, it is not allowed to issue and endorse a check to the bearer's order, and it is not allowed to endorse a check by hand; regarding the bringing an action and hearing, writs of execution are issued for bounced checks with the parallel of trial, and they can also be issued at the time of asking for a delayed settlement compensation, but not against the guarantor and endorser; and regarding the banking matters, the financial institutions are obligated to verify the credit rating for check book issuance, certificates of non-payment have undergone changes, insolvent and bankrupt persons cannot

Copyright & Creative Commons:

© The Author(s). 2021 Open Access. This article is licensed under a Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0, which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. To view a copy of this licence, visit <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>.



ask for a check book and liability of banks and credit institutions. Innovations regarding the check format, the impossibility of demanding a compensation for a delayed settlement, and the inability to issue a writ of execution against the guarantor and endorser are the disadvantages of the new act. The possibility of issuing a case check also avoids the accreditation and tax regulations. The new law does not address some of the former ambiguities, such as the nature of the documents issued by credit institutions and the timing of the check for claims that have different issuance and payment dates.

Keywords: advantages, disadvantages, credit rating verification, endorsement, writ of execution.

The present article is an excerpt from the joint research project of the authors entitled “Critique and review of the law amending the law on issuing checks approved in 1397 with case number 772-6” at Gonbad Kavous University.

Funding: It only has a grant amount (research project).

Author contributions:

Rbia Skini: Conceptualization, Methodology, Validation, analysis, Investigation, Resources, Writing - Original Draft, Writing - Review & Editing, Supervision, Project administration.

Saleh Yamrali (Corresponding Author): Conceptualization, Methodology, Validation, analysis, Investigation, Resources, Writing - Original Draft, Writing - Review & Editing, Supervision, Project administration.

Competing interests: The authors declare that they have no competing interests.

Citation:

Eskini, Rabiaa & Saleh Yamrali. “The Innovations in the Reformed Act of Check 1397; A step back or a step forward?” *Journal of Legal Research* 20, no. 46 (Sep 6, 2021): 7-28.

نوآوری‌های قانون اصلاح صدور چک مصوب ۱۳۹۷؛ گامی به پس یا گامی به پیش؟

ربیعا اسکینی^۱، صالح یمرلی*^۲

۱. استاد و عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای و دانشگاه مفید (ره)، قم، ایران.

Email: dreskini@inbox.com

۲. دکترای حقوق خصوصی، استادیار گروه الهیات دانشکده علوم انسانی و علوم ورزشی، دانشگاه گنبد کاووس، گنبد کاووس، ایران.

*نویسنده مسئول: Email:salehyamrali@gonbad.ac.ir

چکیده:

قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۷ واجد نوآوری‌هایی در زمینه اعمال حقوقی در چک، دادرسی و اقامه دعوا و مسائل بانکی می‌باشد. در زمینه «اعمال حقوقی در گردش چک» ممنوع بودن صدور و ظهرنویسی چک در وجه حامل و حذف ظهرنویسی فیزیکی از چک، در زمینه «دادرسی و اقامه دعوا» صدور اجرائیه برای چک‌های بالامحل به‌موازات دادرسی ترافعی، عدم امکان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه با درخواست اجرا و عدم امکان درخواست صدور اجرائیه علیه ضامن و ظهرنویس و در زمینه «بانکی»، وضع تکالیف برای مؤسسات مالی، لزوم اعتبارسنجی برای صدور دسته‌چک، اثرات نوین بر گواهی عدم پرداخت، ممنوعیت صدور دسته‌چک برای اشخاص معسر از پرداخت محکوم‌به و ورشکسته و «مسئولیت مدنی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری» از جمله نوآوری‌های قانون



نوع مقاله:
پژوهشی

DOI:

10.48300/JLR.2021.132610

تاریخ دریافت:
۲۲ خرداد ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش:
۵ آبان ۱۳۹۹

تاریخ انتشار:
۱۵ شهریور ۱۴۰۰



پژوهشگاه حقوق

کپی‌رایت و مجوز دسترسی آزاد:



کپی‌رایت مقاله در مجله پژوهش‌های حقوقی نزد نویسنده (ها) حفظ می‌شود. کلیه مقالاتی که در مجله پژوهش‌های حقوقی منتشر می‌شوند با دسترسی آزاد هستند. مقالات تحت شرایط مجوز 4.0 Creative Commons Attribution Non-Commercial License منتشر می‌شوند که اجازه استفاده، توزیع و تولید مثل در هر رسانه‌ای را می‌دهد، به شرط آنکه به مقاله استناد شود. جهت اطلاعات بیشتر می‌توانید به صفحه سیاست‌های دسترسی آزاد نشریه مراجعه کنید.

جدید می‌باشند. نوآوری در زمینه اعمال حقوقی در گردش چک، مخالف خصایص اسناد تجاری یعنی اصل سرعت، قابلیت گردش و مبادله اسناد تجاری است. امکان صدور چک موردی نیز، سبب گریز از مقررات اعتبارسنجی و مالیاتی می‌شود. مقنن در قانون جدید به برخی ابهامات سابق نظیر ماهیت اسناد صادره از مؤسسات اعتباری و زمان مطالبه وجه چک در رابطه با چک‌هایی که دارای تاریخ صدور و پرداخت متفاوت هستند، پاسخ نداده است.

کلیدواژه‌ها:

مزایا، معایب، اعتبارسنجی، ظهرنویسی، اجرائیه.

مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی مشترک نویسندگان با عنوان «نقد و بررسی قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۷ به شماره پرونده ۷۷۲-۶» در دانشگاه گنبدکاووس می‌باشد.

حامی مالی:

صرفاً (طرح پژوهشی) از مبلغ گرنت، برخوردار است.

مشارکت نویسندگان:

ربیعا اسکینی: مفهوم سازی، روش شناسی، اعتبارسنجی، تحلیل، تحقیق و بررسی، منابع، نوشتن - پیش‌نویس اصلی، نوشتن - بررسی و ویرایش، نظارت، مدیریت پروژه.
صالح یمرلی (نویسنده مسئول): مفهوم سازی، روش شناسی، اعتبارسنجی، تحلیل، تحقیق و بررسی، منابع، نوشتن - پیش‌نویس اصلی، نوشتن - بررسی و ویرایش، نظارت، مدیریت پروژه.

تعارض منافع:

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

استناددهی:

اسکینی، ربیعا و صالح یمرلی، «نوآوری‌های قانون اصلاح صدور چک مصوب ۱۳۹۷؛ گامی به پس یا گامی به پیش؟». مجله پژوهش‌های حقوقی ۲۰، ش. ۴۶ (۱۵ شهریور ۱۴۰۰): ۷-۲۸.

مقدمه

باتوجه به ماده ۳۱۰ قانون تجارت و ماده ۲ قانون صدور چک، «چک» ورقه‌ای است که به وسیله آن، صادرکننده مبالغی را که بانک در حساب او نگه داشته، خود برداشت می‌کند و یا به بانک دستور می‌دهد که آن را به شخص ثالث یا به حواله‌کرد شخص مزبور پرداخت کند.^۱ نخستین بار قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، مقرراتی راجع به چک وضع نمود. برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب ۱۳۳۱/۰۵/۲۰ در ۱۳۳۱/۰۷/۱۹ لایحه قانونی چک‌های تضمین شده و در ۱۳۳۱/۰۸/۲۷ لایحه قانونی چک‌های بی‌محل به تصویب نخست‌وزیری وقت (دکتر محمد مصدق) رسید. در سال ۱۳۳۴ لایحه چک‌های تضمین شده به تصویب کمیسیون مجلس رسید. مجلس شورای ملی در ۱۳۳۴/۰۴/۲۲ قانون چک‌های تضمین شده و در ۱۳۳۷/۱۲/۱۶ لایحه قانونی راجع به چک‌های بی‌محل را به تصویب رساند. در ۱۳۵۵/۰۴/۱۶ قانون صدور چک به تصویب رسید که مقررات این قانون در سال‌های ۱۳۷۲، ۱۳۸۲ و اخیراً در سال ۱۳۹۷ اصلاح گردید.

دریافت دسته‌چک بانکی از سوی بسیاری از اشخاص و بی‌اعتباری بسیاری از صادرکنندگان چک، سبب ازدیاد چک‌های منتهی به گواهی عدم پرداخت و بالطبع طرح دعوی متعدد در مراجع قضایی گردید. افزایش تعداد چک‌های بلامحل، ناامنی معاملات و بی‌اعتمادی به این سند تجاری را سبب گردید. در این اوضاع و احوال، مقنن در سال ۱۳۹۷ اقدام به اصلاح مقررات قانون صدور چک کرد. مقرراتی که به بانک مرکزی اختیاراتی در جهت اعتبارسنجی قدرت اقتصادی دارندگان چک و مجازات مدنی صادرکنندگان چک بلامحل اعطاء نمود.

ایرادی که در سال ۱۳۸۲ راجع به عنوان این قانون وجود داشت، در قانون حاضر نیز ملاحظه می‌شود. مقنن در حالی عنوان، قانون «صدور» چک را برگزیده که این قانون، تنها راجع به «صدور» چک نیست و موارد متعدد دیگری نظیر «ضمانت»، «ظهر نویسی»، «شیوه مطالبه»، «تکالیف بانک‌ها در ارتباط با ارائه دسته‌چک و انتقال چک در سامانه صیاد» و ... را نیز بیان می‌نماید.

هرچند برخی آثار حقوقی در زمینه نوآوری‌های قانون صدور چک به نگارش درآمده لیکن در پژوهش حاضر علاوه بر ذکر این نوآوری‌ها، به دنبال مبنای وضع مقررات اصلاحی و ارزیابی «مزایا و معایب» نوآوری‌های قانون صدور چک اصلاحی جدید هستیم. وضعیت قانون متحدالشکل ژنو راجع به چک مصوب ۱۹۳۱ و اینکه قانون اصلاحی تا چه اندازه با این قانون انطباق دارد مورد ذکر قرار می‌گیرد. در این بین «آرای قضایی» در دسترس که بعد از تصویب این قانون در محاکم ایجاد گردید، نیز مورد ذکر و تحلیل قرار می‌گیرد.

اما موضوع این نوشتار، طرح این سؤال است که نوآوری‌های این قانون چیست؟ با بررسی این قانون می‌توان این نوآوری‌ها را در سه دسته مستقل گنجانند: نوآوری‌های مؤثر در گردش چک، نوآوری‌های مربوط به مطالبه وجه چک و نوآوری‌های مربوط به نقش بانک‌ها و مؤسسات مالی در

۱. ربیعا اسکینی، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک) (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۸)،

کاهش صدور و گردش چک‌های بی‌محل.

۱- نوآوری‌ها در زمینه اعمال حقوقی در گردش چک

«صدور»، «ظهنویسی» و «ضمانت» از اعمال حقوقی است که روی چک انجام شده و ایجاد و انتقال آن را محقق می‌کند. البته در برات عمل حقوقی «قبولی» نیز وجود دارد و مراد مقنن در بند ۸ ماده ۲ قانون تجارت از «معاملات برواتی» این چهار قسم عمل حقوقی است، اعم از اینکه بین تاجر یا غیرتاجر باشد^۲. در خصوص اعمال حقوقی در چک، ممنوع بودن صدور و ظهنویسی چک در وجه حامل و حذف ظهنویسی فیزیکی، در زمره نوآوری‌های قانون جدید می‌باشند که به شرح زیر بررسی می‌شود.

۱-۱- ممنوع بودن صدور و ظهنویسی چک در وجه حامل

مطابق بند ۳ ماده ۲۲۳ قانون تجارت، لازم است که اسم شخصی که بایستی برات را تأدیه کند، قید شود و در صورتی که برات در وجه حامل صادر شود، وفق ماده ۲۲۶ قانون تجارت، مشمول مقررات راجع به بروات تجارتي نخواهد بود. لیکن ماده ۳۰۷ قانون تجارت در باب سفته و ماده ۳۱۲ قانون مذکور در بحث چک، صدور سفته و چک در وجه حامل را جایز می‌شمرد. چک زمانی در وجه حامل است که در متن چک عبارت «در وجه حامل» نوشته شده و یا اینکه اصولاً نام گیرنده نوشته نشده باشد. چنین چکی بدون آنکه نیازی به ظهنویسی داشته باشد، با تسلیم آن به گیرنده جدید قابل انتقال است.^۳

مقنن در تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۷، صدور چک و ظهنویسی چک در وجه حامل را پس از گذشت ۲ سال از لازم‌الاجرا شدن این قانون، بدون علت موجه، ممنوع اعلام کرده و ماده ۳۱۲ قانون تجارت را نسخ نموده است، در حالی که ظهنویسی و گردش برات به صورت حامل طبق ماده ۲۴۶ قانون تجارت در حقوق ایران جایز می‌باشد، در قانون اصلاحی اخیر به شکل قابل انتقادی گردش و ظهنویسی چک ممنوع اعلام شده است. ماده ۵ «قانون متحدالشکل راجع به چک مصوب ۱۹۳۱ ژنو» نیز صدور چک در وجه حامل را تجویز نموده است. ماده ۱۵ قانون مذکور نیز، ظهنویسی در وجه حامل را در حکم ظهنویسی سفید قلمداد و پذیرفته است.

راه‌حل قانون ایران در خصوص برات که از قانون فرانسه الهام گرفته شده و صدور برات در وجه حامل را مردود اعلام کرده است، ناشی از این تصور است که در جواز قابلیت گردش برات نباید آن قدر پیش رفت که برات با اسکناس رقابت کند. صدور چک در وجه حامل در فرانسه و انگلیس نیز

۲. ربیعاسکینی، حقوق تجارت؛ کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۸)، ۶۱.

۳. بهروز اخلاقی، «تقریرات درس حقوق تجارت»، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۱۳۶۶-۲۴۵، ۱۳۶۷.

بلاشکال می‌باشد.^۴ با وجود اینکه چک برخلاف برات سند وعده‌دار محسوب نمی‌شود ولی باتوجه به شرایط شکلی و به‌ویژه نوآوری‌های قانون جدید در ارتباط با لزوم اعتبارسنجی، نمی‌تواند همسان پول نقد تلقی شود و سختگیری مقنن در ارتباط با ممنوع بودن صدور و ظهرنویسی چک به صورت در وجه حامل برخلاف خصایص اسناد تجاری می‌باشد.

مبنای اصلی وضع چنین مقرره‌ای توسط مقنن جلوگیری از پول‌شویی و افزایش درآمد مالیاتی دولت از طریق پیگیری مرادوات مالی است. چنانکه برخی اثر مستقیم حذف چک در وجه حامل را سبب افزایش درآمد مالیاتی دولت، کاهش مؤدیان مالیاتی فرار از مالیات، کاهش فعل و انفعالات و معاملات غیرمجاز، کاهش امکان سوءاستفاده مأمورین دولتی و اخذ مالیات غیرموجه دانسته‌اند.^۵

۲-۱- حذف ظهرنویسی فیزیکی

ظهرنویسی وسیله انتقال برات است که از طریق امضاء و تسلیم سند تجاری به شخصی که منتقل‌الیه یا دارنده جدید نامیده می‌شود صورت می‌گیرد. البته چنانچه سندی به صورت در وجه حامل صادر گردد برای انتقال آن فقط قبض و اقباض سند کافی است. مطابق بند (ب) ماده ۱۳ کنوانسیون آنسیترال^۶ چنانچه سند در وجه شخص معین یا به حواله‌کرد، از طریق ظهرنویسی سفید به صورت سند در وجه حامل درآید، حکم فوق به چنین سندی نیز سرایت می‌نماید و این سند با قبض و اقباض انتقال می‌یابد. ظهرنویسی ممکن است به منظور وکالت در وصول و وثیقه نیز صورت گیرد.

به موجب ماده ۳۱۲ قانون تجارت، به صرف امضاء در ظهر چک، چک به دیگری منتقل می‌شود. مقنن در تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون جدید، ثبت انتقال چک در سامانه صیاد را جایگزین پشت‌نویسی چک نموده است؛ یعنی پس از ۲ سال از لازم‌الاجرا شدن قانون جدید، دیگر ظهرنویسی چک به صورت فیزیکی سبب انتقال حقوق دارنده به دیگری طبق قانون تجارت نبوده و قواعد اسناد تجاری بر چنین سندی حکم فرما نمی‌باشد. در نهایت چنین انتقالی تابع قواعد عام حقوق مدنی راجع به انتقال طلب می‌باشد.

این درحالی است که ماده ۲۰ قانون صدور چک مقرر می‌دارد: «مسئولیت مدنی پشت‌نویسان چک طبق قوانین و مقررات مربوط کماکان به قوت خود باقی است». با ملاحظه ماده ۲۰ قانون صدور چک و تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون جدید این مطلب به ذهن خطور می‌کند که نظر به بقای مسئولیت پشت‌نویسان، پس همچنان ظهرنویسی به قوت خود باقی است و تبصره ۱ ماده ۲۱ صرفاً ظهرنویسی فیزیکی را ممنوع نموده و ظهرنویسی از طریق سامانه صیاد در حکم ظهرنویسی فیزیکی محسوب می‌شود. لیکن این ابهام را از ذهن بایستی زدود چراکه مقنن اعلام نموده انتقال در سامانه صیاد «جایگزین»، ظهرنویسی می‌باشد و در مقام تعارض، قانون اخیر (تبصره ماده ۲۱) آخرین اراده

۴. ربیعا اسکینی، حقوق تجارت تطبیقی (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۴)، ۳۱، ۱۸۵.

۵. فرج‌اله مهدوی، «ضرورت ایجاد رد پا در قانون چک»، بورس ۳۰ (۱۳۸۰)، ۳۹.

۶. ربیعا اسکینی، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، پیشین، ۱۰۵-۱۰۶.

7. United Nation Convention On International Bills Of Exchange And International Promissory Notes

مقنن می‌باشد. در نتیجه پس از سپری شدن مدت قیدشده در قانون، دیگر ظهرنویسی سبب انتقال چک نمی‌شود. البته چنانچه انتقال چک به ایادی بعدی در سامانه صیاد به ثبت برسد، مسئولیت صادرکننده حسب مقررات قانون تجارت، به قوت خویش باقی است.

در بادی امر شاید یکی از علل این اقدام مقنن این باشد که چنانچه در عرف بانکداری مرسوم است ممکن است این اسناد بدون اینکه توسط ظهرنویس، ظهرنویسی شده باشد، به هر علتی به دارنده رسیده و نامبرده خود از طرف فرد ذی سمت، ظهر سند را امضاء نموده و بانک نیز ارائه‌کننده سند را به‌عنوان دارنده نهایی تلقی نماید.

اما این استدلال چندان به صواب نیست، زیرا از جمله اصول حاکم بر حقوق تجارت و از جمله اسناد تجاری، اصول «سرعت»، «امنیت» و «قابلیت واگذاری و مبادله آن» می‌باشد. گردش اسناد تجاری در تنزیل اسناد تجاری نقش داشته و یکی از لوازم کار بازرگانان نیز محسوب می‌شود.^۸ ماده ۱۷ قانون متحدالشکل راجع به چک مصوب ۱۹۳۱ ژنو نیز مقرر می‌دارد: «ظهرنویسی سبب انتقال کلیه حقوق ناشی از چک می‌گردد...». ماده ۱۹ قانون مذکور نیز مقرر می‌دارد: «دارنده چک قابل ظهرنویسی دارنده قانونی آن محسوب می‌شود، مشروط بر اینکه حقوق خود بر سند را از طریق تسلسل مستمر ظهرنویسی‌ها اثبات نماید ولو اینکه آخرین ظهرنویسی، ظهرنویسی سفید باشد. در این خصوص پشت‌نویسی‌های ابطال شده کان لم یکن تلقی می‌گردد. در موردی که متعاقب ظهرنویسی سفید، ظهرنویسی دیگری صورت پذیرد، صاحب امضاء در این ظهرنویسی، دارنده چک توسط ظهرنویسی سفید محسوب خواهد شد»؛ بنابراین مقرر می‌گردد، هیچ سابقه‌ای در قانون متحدالشکل ژنو و نظام‌های حقوقی پیشرفته نظیر فرانسه و انگلیس ندارد.

از سوی دیگر، اگر به این نکته اذعان کنیم که ثروت امروز جامعه عمدتاً از اموال منقول تشکیل می‌شود و نقل و انتقال و گردش آن به اعمال دو اصل سرعت و امنیت وابسته است، باید قبول کنیم که قالب‌های ساده حقوقی حقوق تجارت برای افراد جامعه، تجار و غیرتجار، مطلوب‌تر است.^۹ بنابراین صرف امکان تقلب و اینکه دارنده نهایی به طریق غیرقانونی سند تجاری را تحصیل نموده، استدلال متقنی در رد مزایای غیرقابل انکار ظهرنویسی فیزیکی محسوب نمی‌شود. در فرض تحصیل غیرقانونی یا فقدان حق برای دارنده، باب اقامه دعوا برای ذی‌نفع در جهت احقاق حق خویش مفتوح می‌باشد. ماده ۲۱ قانون متحدالشکل راجع به چک^{۱۰} و قسمت اخیر ماده ۲۳ قانون اصلاح قانون صدور چک، امکان اقامه دعوا برای صادرکننده یا قائم‌مقام قانونی وی را در چنین مواردی پیش‌بینی نموده است.

۸. بابک مسعودی، «اصول حاکم بر اسناد تجاری»، *مجله کانون وکلا* ۱۷۱ (۱۳۷۹)، ۱۲۷.

۹. ربیع‌الاسکینی، *حقوق تجارت: کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری*، پیشین، ۴۰.

۱۰. ماده ۲۱ قانون متحدالشکل راجع به چک ژنو: «هرگاه به هر علت، چک از يد دارنده آن خارج گردد، دارنده بعدی آن (خواه چک در وجه حامل باشد، خواه چک قابل ظهرنویسی که دارنده، حقوق خود را بر آن به طریق مذکور در ماده ۱۹ ثابت نماید) ملزم به بازگرداندن آن نیست، مگر اینکه چک را با سوءنیت تحصیل کرده و یا اینکه در به‌دست آوردن آن مرتکب تقصیری فاحش شده باشد».

به‌هرحال، باتوجه‌به عدم منع قانون جدید، امکان ضمانت فیزیکی در چک به قوت خود باقی است ولی این ضمانت وقتی تابع مقررات قانون تجارت و قانون صدور چک است که به نفع صادرکننده باشد و الا ضمانت از ظهرنویس، باتوجه‌به آنچه گفتیم به شکل فیزیکی آن از میان‌رفته است و مشمول مقررات این دو قانون نخواهد بود.

۲- نوآوری‌ها در زمینه دادرسی و اقامه دعوا

قانون اصلاحی جدید در زمینه دادرسی و اقامه دعوا نیز واجد نوآوری‌هایی می‌باشد. صدور اجرائیه برای چک‌های بلامحل به موازات دادرسی ترافیعی، عدم امکان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه با درخواست اجرا، عدم امکان درخواست صدور اجرائیه علیه ضامن و ظهرنویس از جمله نوآوری‌ها در این خصوص می‌باشد که به شرح ذیل بررسی می‌شود.

۲-۱- صدور اجرائیه

هرچند چک سند در حکم لازم‌الاجراست و از طریق اجرای اداره ثبت اسناد و املاک قابل مطالبه می‌باشد، لیکن به‌جهت برخی مزایای رجوع از طریق دادگاه، نظیر توقیف مدیون به استناد ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و مطالبه هم‌زمان خسارت تأخیر تأدیه، دارندگان اغلب متمایل به اقامه دعوا از طریق دادگستری بوده و هستند. پیش از قانون جدید، دارندگان چک در مقام مطالبه بایستی با تقدیم دادخواست و اقامه دعوی ترافیعی، اقدام می‌نمودند و دادگاه نیز پس از تشکیل جلسه دادرسی ترافیعی، اقدام به صدور رأی می‌نمود که این رأی حسب مورد قابل‌واخواهی و تجدیدنظر بود. لیکن مطابق ماده ۲۳ قانون اصلاحی جدید، «دارنده چک می‌تواند با ارائه گواهی‌نامه عدم پرداخت، از دادگاه صالح صدور اجرائیه نسبت به کسری مبلغ چک و حق‌الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی را درخواست نماید. دادگاه مکلف است در صورت وجود شرایط زیر حسب مورد علیه صاحب حساب، صادرکننده یا هر دو اجرائیه صادر نماید...»؛ بنابراین مقنن به موازات مرحله دادرسی ترافیعی، اقدام مستقیم دارنده از اجرای احکام مدنی را پذیرفته است. به‌واقع، چک علاوه بر سند لازم‌الاجرای ثبتی، سند لازم‌الاجرای قضایی نیز محسوب گردید.

از آنجاکه این قانون در سال ۱۳۹۷ به تصویب رسید و بسیاری از چک‌های صادره قبل از تصویب قانون حاضر، چه به‌صورت مدت‌دار و یا غیرمدت‌دار ولی منتهی به گواهی به عدم پرداخت، در جامعه وجود دارد این مسئله اساسی مطرح است که آیا برای چنین چک‌هایی امکان صدور اجرائیه از طریق دادگاه وجود دارد یا خیر. رویه قضایی فرصت داور در این خصوص را داشته و در بسیاری از پرونده‌ها قائل به عدم امکان تقاضای اجرائیه برای چنین چک‌هایی می‌باشد. شعبه اول حقوقی گنبد کاووس در پرونده ۹۹۰۰۱۶۶ بعد از صدور اجرائیه برای چک به تاریخ ۱۳۹۷ با عدول از نظر سابق خویش به این استدلال که دسته‌چک یادشده در سال ۱۳۹۵ صادر شده و مطابق ماده ۶ قانون اصلاحی جدید، این قانون تنها مشمول صدور چک‌های صیادی دارای شناسه ۱۶ رقمی یکتا می‌باشد، مطابق دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۱۷۸۸۷۰۰۲۷۵ قرار موقوفی اجرا را صادر نمود.

این درحالی است که چنین رأیی قابل نقد بوده و برخلاف نظر مقنن می باشد. چراکه مراد مقنن از الزام بانک‌ها به صدور چک‌های یکپارچه صیادی، تکلیفی است که مخاطب آن بانک‌ها می باشند و از آنجاکه صدور اجرائیه مزیتی است که مقنن برای دارنده پیش‌بینی نموده، هم چک‌های صیادی و هم چک‌های غیرصیادی را شامل می‌شود. وانگهی، تفاوت اساسی بین چک‌های صیادی و چک‌های غیرصیادی وجود نداشته و چک‌های صیادی برخلاف چک‌های غیرصیادی به صورت یکپارچه صادر می شوند و نه لزوماً از بانک افتتاح کننده حساب. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز طی نظریه مشورتی شماره ۷/۹۷/۲۶۲۹ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۰ این نظر را پذیرفته و اظهار داشته: «با عنایت به مفهوم مخالف ذیل مواد ۴ و ۵ قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۷/۸/۱۳ از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، چک‌هایی که برابر مواد یادشده گواهینامه عدم پرداخت با درج کد رهگیری در آن صادر شده باشد در مراجع قضایی و ثبتی قابل ترتیب اثر است؛ بنابراین صدور اجرائیه برابر ماده ۲۳ این قانون نیز برای چک‌هایی که مطابق مواد ۴ و ۵ یادشده برای آن گواهینامه عدم پرداخت با درج کد رهگیری صادر شده است، بلامانع است.» به‌واقع ماده ۲۳ قانون اصلاحی را با ارجاع به بند ۱ ماده ۱ قانون صدور چک که در مقام تعریف چک عادی است بایستی تفسیر نمود و نه ماده ۶ اصلاحی که مؤید مقرر نمودن تکالیفی برای بانک‌هاست.

پرسشی که به ذهن می‌رسد این است که نظر به اینکه مطابق بند «الف» ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴، دعای مالی منقول تا مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال در صلاحیت این مرجع می‌باشد، دارندگان چک‌های تا مبلغ یادشده، بایستی به اجرای احکام شورا مراجعه نمایند یا به اجرای احکام مدنی دادگستری؟ از یک سو ماده ۲۹ قانون جدید، در مقام نوآوری، اجرای آرای قطعی شورا را در صلاحیت قاضی واحد اجرای شورای حل اختلاف محل قرار داده و از سوی دیگر، مطابق ماده ۲۳ قانون اصلاحی جدید، دارنده می‌تواند از «دادگاه صالح» درخواست صدور اجرائیه نماید. اداره حقوقی قوه قضائیه طی نظریه مشورتی شماره ۷/۹۷/۲۶۲۹- مورخ ۹۷/۱۱/۱۰ به‌درستی نظر داده است که: «نظر به اینکه قانون اصلاح صدور چک مصوب ۹۷/۸/۲۳، نسبت به قانون شورای حل اختلاف مؤخر می‌باشد و قانونگذار با علم و اطلاع از حدود صلاحیت شورای یادشده در ماده ۲۳ قانون اخیرالتصویب، صدور اجرائیه را به‌طور مطلق در صلاحیت دادگاه قرار داده است و نیز لحاظ آنکه سازکار مقرر در ماده مذکور، متفاوت از بحث رسیدگی به دعای است که با نصاب خاصی در صلاحیت شورای حل اختلاف قرار گرفته است و با عنایت به تصریح در ماده یادشده به اجرای اجرائیه از طریق اجرای احکام دادگستری و اینکه شورای حل اختلاف در حال حاضر دارای واحد اجرای احکام مستقل از دادگستری می‌باشد و با عنایت به اینکه صلاحیت شورای حل اختلاف، استثنایی است و در موارد شک باید به صورت مضیق تفسیر شود لذا اجرای احکام مقرر در ماده فوق‌الاشعار صرفاً از طریق دادگستری میسر است و از صلاحیت شورای حل اختلاف خارج است.»

هرچند مقنن از واژه «درخواست» صدور اجرائیه در ماده مذکور سخن گفته، با این وجود، محاکم ورود چنین پرونده‌ای را صرفاً از طریق «دادخواست» صدور اجرائیه نسبت به چک میسر می‌دانند. در قانون آیین دادرسی مدنی واژه «درخواست» در موارد متعددی به کار رفته است. در این قانون، در

برخی موارد واژه «درخواست» به معنی تقاضایی بوده که نیازی به تقدیم به صورت دادخواست نداشته، نظیر درخواست تأخیر جلسه مقرر در ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی. در برخی موارد نیز به معنی تقاضایی بوده که عملاً مطابق رویه محاکم نیازمند تقدیم دادخواست می‌باشد نظیر درخواست تأمین خواسته برای صدور قرار تأمین خواسته مقرر در ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی.^{۱۱} حق الوکاله وکیل تنها به میزان مرحله اجرا قابل پرداخت است. به دلیل حذف مرحله دادرسی، هزینه دادرسی به میزان مرحله اجرا بایستی پرداخت شود و این هزینه دادرسی و حق الوکاله در زمره خسارت دادرسی از محکوم علیه قابل وصول می‌باشد.

ممکن است چک‌هایی که مستقیماً درخواست اجرای آن می‌شود از طریق مجرمانه تحصیل شده یا به دلایلی نظیر امانی بودن، دلالت بر وجود دین نداشته باشد، مسئله در این خصوص، این است که با پیش‌بینی اجرای چک از طریق دادگاه، امکان دفاع و دعوی طاری از جمله دعوی تقابل و جلب ثالث برای صادرکننده یا قائم‌مقام قانونی وی، وجود دارد؟ قسمت اخیر ماده ۲۳ قانون جدید امکان چنین دفاع یا دعوی را نپذیرفته است لیکن صادرکننده یا قائم‌مقام قانونی وی می‌تواند دعوی علی‌حده در مرجع قضایی که به صورت توافقی و خارج از نوبت رسیدگی خواهد شد، طرح نماید.

پرسش دیگری که در این رابطه مطرح می‌شود این است که آیا طرح دعوی علی‌حده نسبت به خواسته‌هایی نظیر جعلیت، امانی بودن و... عملیات اجرایی را متوقف می‌نماید؟ مقنن در قسمت اخیر ماده ۲۳ قانون جدید^{۱۲} صراحتاً مقرر نموده که دعوی یادشده حصری نمی‌باشد و «اصل» این است که اقامه دعوا مانع از عملیات اجرایی نخواهد شد. البته در دو حالت، امکان توقف اجرا با اخذ تأمین مناسب در صورت اقامه دعوا وجود دارد: نخست، ظن قوی برای مراجع قضایی و دوم، ورود ضرر جبران‌ناپذیر از اجرای سند مذکور. در دو حالت نیز در صورت اقامه دعوا، امکان توقف اجرا بدون اخذ تأمین پیش‌بینی شده است: نخست، دلیل ارائه شده مستند به سند رسمی باشد. دوم، صادرکننده یا قائم‌مقام قانونی مدعی مفقود شدن چک باشد و در هر دو صورت، مرجع قضایی دلایل ارائه شده را قابل قبول بداند.

در چنین مواردی مدعی می‌بایست دعوی ابطال اجرائیه نیز در کنار دعوی استرداد چک مطرح نماید.^{۱۳} در خصوص چک‌هایی که از طریق اجرای ثبت منجر به صدور اجرائیه می‌گردد نیز رویه

۱۱. عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی؛ دوره بنیادین، جلد دوم (تهران: انتشارات دراک، ۱۳۹۱)، ۲۴.

۱۲. ماده ۲۳ قانون جدید: «...اگر صادرکننده یا قائم‌مقام قانونی او دعوی مانند مشروط یا بابت تضمین بودن چک یا تحصیل چک از طریق کلاهبرداری یا خیانت‌درامان یا دیگر جرائم در مراجع قضائی اقامه کند، اقامه دعوا مانع از جریان عملیات اجرائی نخواهد شد؛ مگر در مواردی که مرجع قضائی ظن قوی پیدا کند یا از اجرای سند مذکور ضرر جبران‌ناپذیر وارد شود که در این صورت با اخذ تأمین مناسب، قرار توقف عملیات اجرائی صادر می‌نماید. در صورتی که دلیل ارائه‌شده مستند به سند رسمی باشد یا اینکه صادرکننده یا قائم‌مقام قانونی مدعی مفقود شدن چک بوده و مرجع قضایی دلایل ارائه‌شده را قابل قبول بداند، توقف عملیات اجرائی بدون اخذ تأمین صادر خواهد شد. به دعوی مذکور خارج از نوبت رسیدگی می‌شود».

۱۳. محمد مهدی توکلی، بررسی نوآوری‌های قانون جدید صدور چک اصلاحی سال ۹۷ (تهران: نشر مکتوب آخر،

۱۳۹۸)، ۲۲.

قضایی متمایل بر چنین نظری بود. شعبه ۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران طی دادنامه شماره ۱۳۹۲/۶/۲۷ در مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۷ چنین اظهارنظر نموده که: «دادنامه تجدیدنظر خواسته به شماره ۰۰۳۹۶ ۰۰۹۱ مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۵ صادره از شعبه اول حقوقی تهران که به صدور حکم بر بطلان دعوای خواهان با خواسته استرداد یک برگ لاشه چک امانی به شماره ۱۶۹۲۸۸ مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۵ با احتساب کلیه خسارات دادرسی اشعار دارد متضمن جهت موجه در نقض است و اعتراض به شرح اوراق و محتویات پرونده وارد می باشد زیرا حسب مفاد دادخواست در مورد چک مذکور، از طریق اجرای ثبت اقدام و برگ لازم‌الاجرای صادر شده است؛ بنابراین تا زمانی که اجرائیه در مورد چک مختلف فیه باطل نشده باشد دعوای استرداد چک قابلیت رسیدگی نخواهد داشت، از این رو دادگاه تجدیدنظر خواهی را وارد تشخیص به استناد صدر ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی رأی دادگاه بدوی را نقض و قرار رد دعوا صادر می‌نماید.»^{۱۴}

۲-۲- عدم امکان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه با درخواست اجرا

در حالی که در ماده ۲۳ طرح اولیه قانون اصلاح قانون صدور چک، «خسارت تأخیر تأدیه» مورد تصویب مجلس شورای اسلامی قرار گرفته بود، شورای محترم نگهبان، خسارت یادشده را مغایر با شرع اعلام نمود و کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس در جهت رفع ایراد، عبارت خسارت تأخیر تأدیه را از ماده یاد شده حذف نمود. به هر تقدیر، حذف خسارت تأخیر تأدیه در مجلس با تأیید شورای نگهبان همراه گردید و خسارت تأخیر تأدیه برای چک‌هایی که دارنده مستقیماً اقدام به مطالبه آن از طریق درخواست صدور اجرائیه می‌نماید، قابل مطالبه و درخواست نمی‌باشد. این در حالی است که چنین خسارتی طبق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب و قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام به رسمیت شناخته شده بود.

بدیهی است امکان تقدیم دادخواست مستقل برای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه چک‌های منتهی به گواهی عدم پرداخت به محاکم میسر است. البته ممکن است گفته شود، تالی فاسد حذف این مقرره منطقی، طرح مجدد یا موازی پرونده‌های راجع به خسارت تأخیر تأدیه در محاکم می‌باشد. چنین امری، با فلسفه وضع ماده ۲۳ قانون جدید سازگار نبوده و موجب تورم پرونده‌ها و صرف زمان و هزینه بسیار، برای اصحاب پرونده خواهد شد. مع ذلک، باید به این نکته نیز توجه کرد که مطالبه وجه چک از طریق اجرائیه امری استثنائی است و اصل بر مطالبه متقاضی به موجب دادخواست و رسیدگی ترافعی است و بنابراین تقاضای صدور اجرائیه با اصل مزبور در تناقض و فاقد وجهه قانونی است. قانون متحدالشکل ژنو راجع به چک، چنین مکانیزمی را مقرر ننموده و تنها ماده ۴۶ به امکان مطالبه خسارت تأخیر و کلیه مخارج متحمله، در کنار اصل مبلغ چک، تصریح نموده است.

۱۴. به نقل از سامانه ملی آرای قضایی، تاریخ دسترسی ۰۸/۰۹/۲۰۲۰:

۳-۲- عدم امکان درخواست صدور اجرائیه علیه ضامن و ظهرنویس

ماده ۳۱۴ قانون تجارت، مسئولیت تضامنی ضامن و ظهرنویس با صادرکننده چک را که در ماده ۲۴۹ قانون تجارت در بحث برات پیش‌بینی شده بود، به رسمیت شناخته است. مسئولیت تضامنی به این معناست که تمام مسئولین سند در عرض یکدیگر قرار دارند، به طوری که دارنده سند می‌تواند برای وصول تمام یا قسمتی از وجه سند به هر کدام از آنها هم‌زمان یا در زمانهای مختلف مراجعه کند.^{۱۵} برخی حقوقدانان معتقدند در ماده ۳۱۴ تنها صادرکننده و ظهرنویس مسئولیت تضامنی دارند و به هیچ‌وجه مقنن در رابطه با دخالت ضامن و مسئولیت او مطلبی بیان نداشته و مسلماً مراد قانونگذار از «اقامه دعوای ضامن» این است که اگر دارنده سند بخواهد دعوایی در مورد مسئولیت تضامنی صادرکننده و ظهرنویسان چک اقامه کند، باید مقررات راجع به اقامه دعوای در برات از جمله مواعد را رعایت کند.^{۱۶}

به نظر می‌رسد تا زمانی که دعوای دارنده علیه مضمون‌عنه مبتنی بر سند تجاری است، یعنی تا زمانی که دعوای دارنده مشمول مرور زمان نشده است، دارنده می‌تواند به همان ترتیبی که حق رجوع به مضمون‌عنه دارد به ضامن او نیز رجوع کند. پس از حصول مرور زمان چون دارنده دیگر نمی‌تواند بر اساس سند تجاری علیه مضمون‌عنه دعوای خود را اقامه کند، نمی‌تواند علیه ضامن نیز اقدامی به عمل آورد. این در حالی است که ممکن است دارنده، با وجود انتفای تعهد براتی، به سبب قرارداد اصلی، حق رجوع به مضمون‌عنه سند تجاری را داشته باشد. این حق رجوع در حقوق فرانسه و ایران مبانی متفاوتی دارد. در حقوق فرانسه، دعوای دارنده مبتنی است بر تعهد ناشی از قرارداد اصلی، در حالی که در حقوق ایران، بعد از حصول مرور زمان براتی، دعوای مبتنی است بر تئوری دارا شدن بلاجهت.^{۱۷}

به‌واقع در حقوق فرانسه، ضمانت مستقل از بابت دین اصلی، اخذ می‌شود. به عبارت دیگر، ضامن متعهد می‌گردد که با اولین درخواست متعهدله مبلغ مورد تعهد را در وجه وی فوراً پرداخت نماید بدون اینکه ضامن حق اعتراض یا استناد به ایراداتی که مضمون‌عنه می‌توانست در مقابل مضمون‌له داشته باشد.^{۱۸}

مواد ۱۸، ۲۲ و ۲۶ قانون متحدالشکل ژنو، مسئولیت تضامنی ظهرنویس و ضامن را مقرر نموده است. مقنن در ماده ۲۳ قانون اصلاحی جدید، تنها امکان درخواست صدور اجرائیه علیه «صادرکننده» را به رسمیت شناخته است و چنین امکانی علیه ضامن و ظهرنویس وجود ندارد؛ بنابراین مقنن، یکی از اوصاف مهم اسناد تجاری یعنی مسئولیت تضامنی را نادیده انگاشته است. با وجود این، امکان تقدیم دادخواست و طرح دعوای مستقل علیه ضامن و ظهرنویس وجود دارد.

۱۵. محمد دمرچیلی، علی حاتمی و محسن قرایی، *قانون تجارت در نظم حقوق کنونی* (تهران: انتشارات میثاق عدالت، ۱۳۸۴)، ۵۱۸.

۱۶. امیر حسین فخاری، «ضامن در چک»، *تحقیقات حقوقی* ۲۳ و ۲۴ (۱۳۷۷)، ۱۳.

۱۷. ربیعا اسکینی، «وضعیت حقوقی ضامن اسناد تجاری در حقوق ایران و فرانسه»، در *تأملاتی در حقوق تطبیقی*، به اهتمام عباس کریمی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸)، ۸۶-۸۷.

۱۸. محمود عرفانی، *حقوق تطبیقی*، جلد ششم (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۵)، ۸۹.

۳- نوآوری‌ها در زمینه بانکی

وضع تکالیف برای مؤسسات مالی، لزوم اعتبارسنجی برای صدور دسته‌چک، اثرات نوین بر گواهی عدم پرداخت، ممنوعیت صدور دسته‌چک برای اشخاص معسر و ورشکسته و مسئولیت مدنی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از جمله نوآوری‌ها در زمینه بانکی می‌باشد که به شرح ذیل بررسی می‌شود.

۳-۱- وضع تکالیف برای مؤسسات مالی

مطابق ماده ۱ قانون صدور چک، چک عادی چکی است که برعهده «بانک‌ها» به حساب جاری خود صادر می‌نمایند. اینکه محال علیه چک بانک می‌باشد در مواد دیگر قانون صدور چک نظیر مواد ۲، ۳، ۴ و غیره نیز مورد تصریح مقنن بوده است. در ماده ۵ مکرر، مقنن برای کلیه «بانک‌ها» و «مؤسسات اعتباری»، تکالیفی را تا هنگام رفع سوء اثر از چک مقرر نموده است. این درحالی است که تکالیف سابق الذکر در قانون صدور چک و اصلاحیه‌های آن، به‌عنوان محال علیه، تنها متوجه بانک‌ها بوده است. ماده ۳ قانون متحدالشکل ژنو^{۱۹} راجع به چک نیز «بانک» را محال علیه چک دانسته است. پرسش اینجاست باتوجه به ماده ۵ مکرر، آیا مؤسسات مالی نیز به‌عنوان محال علیه چک قلمداد و دستور پرداخت‌های صادره از آنها نیز چک تلقی می‌شود؟ بند «ه» ماده ۳۱ قانون پولی و بانکی کشور در تعریف مؤسسات اعتباری مقرر داشته: «مؤسسات اعتباری غیربانکی مؤسساتی هستند که در عنوان خود از نام بانک استفاده نمی‌کنند ولی به تشخیص بانک مرکزی ایران واسطه بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان وجوه و اعتبار می‌باشند و عملیات آنها در حجم و نحوه توزیع اعتبارات مؤثر است». بند «ب» ماده ۴۲ قانون اخیر نیز مقرر می‌کند: «تأسیس بانک و اشتغال به بانکداری بدون رعایت مقررات این قانون و استفاده از نام بانک در عنوان این مؤسسات اعتباری ممنوع است...» صرف نظر از تصریح قانون پولی و بانکی که مؤسسات اعتباری را بانک تلقی نموده، واقعیت این است که در هیچ‌یک از مواد قانون اصلاح قانون صدور چک نیز مؤسسات اعتباری به‌عنوان محال علیه چک محسوب نشده و به نظر مقنن صرفاً در ماده ۵ مکرر جهت ارتقای ارزش چک تا رفع اثر از صدور گواهی عدم پرداخت چک‌های اصداری، مانند مورد بانک‌ها، صادرکننده چک را از خدمات مؤسسات اعتباری محروم نموده و در مقام این نبوده که مؤسسات اعتباری را به‌عنوان محال علیه چک شناسایی نماید. کمااینکه در ماده ۴ اصلاحی تکلیف به ارائه گواهی نیز قابل پرداخت بودن چک فقط برای بانک‌ها پیش‌بینی شده است یا وقتی در قسمت «ب» از تبصره ۳ ماده ۵ مکرر ارائه لاشه چک را به محال علیه موجب رفع سوءاثر از چک تلقی می‌کند، صحبت از «بانک محال علیه» می‌کند و به مؤسسه اعتباری اشاره‌ای ندارد.

۱۹. ماده ۳ قانون متحدالشکل ژنو راجع به چک: «چک برعهده بانکی صادر می‌شود که صادرکننده در آن، محل (موجودی) دارد و مطابق قراردادی صریح یا ضمنی محق در استفاده از مبالغ آن به‌وسیله چک می‌باشد...».

۳-۲- لزوم اعتبارسنجی برای صدور دسته‌چک

مطابق ماده ۶ قانون جدید، بانک‌ها برای ارائه دسته‌چک تکلیف به دریافت گزارش اعتباری از سامانه ملی اعتبارسنجی موضوع ماده ۵ قانون تسهیل اعطای تسهیلات و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجرای طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانک‌ها مصوب ۱۳۸۶/۰۴/۰۵ یا رتبه‌بندی اعتباری از مؤسسات موضوع بند ۲۱ ماده ۱ «قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۰۱» شده و باید متناسب با نتایج دریافتی، سقف اعتبار مجاز متقاضی را محاسبه و به هر برگ چک شناسه یکتا و مدت اعتبار اختصاص می‌دهند. حداکثر مدت اعتبار هر دسته‌چک، از زمان دریافت آن، سه سال است.

مقنن با وضع این ماده، درصدد نیل به شأن واقعی چک در نظام تجارت ایران برآمده است.^{۲۰} این اقدام مقنن ناشی از ملاحظه وضع آشفته صدور چک‌های بلامحل متعدد به‌جهت فقدان توانایی مالی صادرکنندگان چک‌ها بوده است. با این مقرر، اعتماد طرفین مراد به چک‌های صادره افزایش یافته و دارندگان چک‌ها از توانایی مالی صادرکنندگان و اعتبار ایشان نزد بانک تا حدودی اطمینان حاصل پیدا می‌کنند. مع‌ذلک نباید تصور کرد که بانک، با وضع قانون جدید پرداخت چک‌های صادره را تضمین می‌کند. تکلیف بانک‌ها تنها در انجام اقدامات فوق است نه اینکه ضامن ملاتت صادرکننده چک باشند.

اما هرچه اقدام قانونگذار در تأکید بر اعتبارسنجی متقاضیان دسته‌چک قابل توجه است ولی پذیرش ارائه چک موردی به بعضی اشخاص که دسته‌چک ندارند در تبصره ۲ ماده ۶ اصلاحی قابل درک نیست. این تبصره مقرر می‌کند که به‌منظور کاهش تقاضا برای دریافت دسته‌چک و رفع نیاز اشخاص به ابزار پرداخت وعده‌دار، بانک مرکزی مکلف است، ظرف یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، ضوابط زیرساخت خدمات برداشت مستقیم به‌صورت چک موردی برای اشخاصی که دسته‌چک ندارند راه‌اندازی نماید تا بدون نیاز به اعتبارسنجی و رتبه‌بندی امکان برداشت از حساب این اشخاص برای ذی‌نفعان معین فراهم شود. این اقدام قانونگذار متضمن دو ایراد اساسی است. اول اینکه به‌جای الزام اشخاص به صدور اسناد وعده‌دار (برات و سفته) که به آنها باید بابت مالیات، تمبر الصاق شود که منبع درآمدی برای دولت است، چک که باید برای معاملات نقدی مورد استفاده قرار گیرد و به همین خاطر نیز از مالیات به نسبت میزان چک معاف است، آنها را به‌سوی فرار از پرداخت مالیات سوق می‌دهد.

دوم اینکه، درحالی‌که قانونگذار برای دادن دسته‌چک به اشخاص سخت‌گیری‌هایی به نحو فوق در نظر گرفته، برای این‌گونه اشخاص وسیله‌ای فراهم کرده که بدون نیاز به اعتبارسنجی، چک‌هایی صادر کنند که ممکن است اعتباری هم پشتوانه آن نباشد. درمورد این چک‌ها نیز در صورت عدم پرداخت بانک مسئولیتی ندارد زیرا پرداخت وجه آن را تضمین نمی‌کند.

۲۰. محمد هادی اسلامی، قانون صدور چک در نظم حقوق کنونی (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۷)، ۴۲.

۳-۳- اثرات نوین بر گواهی عدم پرداخت

در صورت مواجهه چک با گواهی عدم پرداخت، مقنن اثرات نوینی را پیش‌بینی نموده است. یکی از مهم‌ترین اثرات، «مسدود شدن کلیه حساب‌های بانکی» می‌باشد. قبل از قانون اصلاحی جدید، در صورتی که چک‌های اصداری با گواهی عدم پرداخت مواجه می‌شدند، دارنده تنها می‌توانست از طریق اقامه دعوا به حقوق قانونی خویش نائل شود. تأمین خواسته از دیگر راهکارهای حفظ حقوق دارنده چک‌های منتهی به گواهی عدم پرداخت بود. تأمین خواسته، به معنای حفظ کردن و در امنیت قرار دادن خواسته است؛ بدین معنا که خواهان می‌تواند، از همان ابتدا، با گرفتن تأمین خواسته و اجرای آن، خواسته دعوا را بازداشت نموده و آن را در امنیت قرار دهد، به گونه‌ای که نه تنها خوانده نتواند آن را نقل و انتقال داده، جابه‌جا و یا مخفی کند بلکه آن را از دسترس سایر بستانکاران خوانده نیز خارج نماید.^{۲۱} به‌ویژه که مطابق بند «ج» ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی، چنانچه دعوا مستند به اوراق تجاری و اخواست شده باشد، خواهان می‌تواند بدون دادن تأمین، قرار تأمین خواسته درخواست کند. به هر تقدیر اخذ قرار تأمین خواسته، مستلزم تقدیم درخواست به دادگاه صالح است و چنانچه این درخواست قبل از اقامه دعوا باشد، نیازمند طرح دعوا در موعده ۱۰ روز پس از تاریخ صدور قرار تأمین است. بدیهی است این امر مستلزم پرداخت هزینه دادرسی است و چنانچه گواهی عدم پرداخت در ظرف ۱۵ روز از تاریخ چک اخذ نشده باشد، نیازمند پرداخت خسارت احتمالی است.

مقنن در بند «ب» ماده ۵ مکرر قانون جدید، بدون نیاز به طرح چنین درخواست و اقامه دعوایی، تکلیف به «مسدود کردن وجوه کلیه حساب‌ها و کارت‌های بانکی و هر مبلغی متعلق به صادرکننده که تحت هر عنوان نزد بانک یا مؤسسه اعتباری دارد به میزان کسری مبلغ چک به ترتیب اعلامی از سوی بانک مرکزی» تا هنگام رفع سوء اثر از چک، نموده است.

مسئله‌ای که در این خصوص مطرح می‌شود این است که باتوجه به اینکه صدور اجرائیه نیز مستلزم طی تشریفات و مواعد قانونی است، آیا دارنده‌ای که اجرای دادگاه را برمی‌گزیند، می‌تواند مبادرت به اخذ تأمین خواسته نماید؟ قانون جدید در این خصوص مسکوت است لیکن به نظر چنین شخصی بعد از اخذ تأمین خواسته می‌بایست ظرف ۱۰ روز اقامه دعوای مستقل نماید. چنانچه بعد از اخذ تأمین خواسته، مسیر اجرای مستقیم مقرر در ماده ۵ مکرر را برگزیند، طبق ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی، با انقضای ۱۰ روز از تاریخ صدور تأمین خواسته، به درخواست خوانده، قرار تأمین لغو می‌شود. اثر دیگر، عدم پرداخت و صدور هرگونه تسهیلات بانکی، ضمانت‌نامه بانکی و گشایش اعتباری و عدم افتتاح هرگونه حساب و صدور کارت بانکی جدید است. یکی از انتقادات وارد بر ماده ۵ مکرر، سلب امکان افتتاح هرگونه حساب و ورودی مالی صادرکننده بد حساب چک است. این امر عملاً ممکن است منتهی به معامله صادرکننده بد حساب در نظام بانکی به نام غیر یا نگهداری وجه نقد شود. برای جلوگیری از توالی فاسد این امر، شایسته بود مقنن صرفاً خروج پول از نظام بانکی را از سوی صادرکننده بد حساب محدود کند و پس از تزریق، امکان برداشت را تحدید نماید و نه اینکه

۲۱. عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، دوره بنیادین، جلد سوم (تهران: انتشارات دراک، ۱۳۹۱)، ۱۱۵.

برخی از طرق تزریق پول به نظام بانکی را از سوی شخص بدحساب ممتنع سازد.^{۲۲}

«مطابق ماده ۴ قانون اصلاحی، هرگاه وجه چک به‌علتی از علل مندرج در ماده ۲ پرداخت نگردد، بانک مکلف است بنا بر درخواست دارنده چک فوراً غیرقابل پرداخت بودن آن را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی ثبت نماید و با دریافت کد رهگیری و درج آن در گواهینامه‌ای که مشخصات چک و هویت و نشانی صادرکننده در آن ذکر شده باشد، علت یا علل پرداخت را صریحاً قید و آن را امضاء و مهر و به متقاضی تسلیم نماید. به گواهینامه فاقد کد رهگیری و فاقد مهر شخص حقوقی در مراجع قضایی و ثبتی ترتیب اثر داده نمی‌شود...» مسئله این است که آیا الزام به درج کد رهگیری درخصوص چک‌های سابق بر قانون اصلاحی نیز وجود دارد؟ بانک مرکزی پیرو ماده ۴ اصلاحی طی بخشنامه شماره ۴۶۵۸۱۱/۹۷ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ و بخشنامه شماره ۴۸۵/۵/۲۱۱۰۰۰/۲۲ مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۰۵ لزوم درج کد رهگیری بر روی کلیه گواهینامه‌های عدم پرداخت و درج اطلاعات کلیه گواهینامه‌های عدم پرداخت صادره در سامانه بانک مرکزی تأکید نمود. این بخشنامه‌ها مورد شکایت احد شکات قرار گرفت. شکای به‌موجب دادخواستی خطاب به دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال مقررات مورد شکایت را مطرح کرد و در تبیین مبنای خواسته خود اعلام کرده است که مطابق قانون اصلاح قانون صدور چک، چک‌های صادرشده در دوره قبل از اجرای این قانون که جزء چک‌های صیاد با شرایط احصاء شده در مواد ۴ و ۲۳ قانون یادشده نیستند، مشمول مقررات قانون فوق نخواهند بود. بااین حال، به‌موجب مقررات مورد شکایت، شرایط و امتیازات مقرر در قانون جدید به چک‌های صادرشده در دوره پیش از اجرای قانون اصلاح قانون صدور چک نیز تسری یافته که این امر در عین مغایرت با اصل عدم تسری اثر مقررات نسبت به گذشته، با مواد ۴ و ۲۳ قانون اصلاح قانون صدور چک نیز در تعارض است و خارج از حدود اختیارات بانک مرکزی می باشد. هیئت تخصصی مالیاتی بانکی دیوان عدالت اداری طی دادنامه ۹۸/۲۲۹۷ در پرونده ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۱۵۴ در پرونده ۹۸/۲۲۹۷ بخشنامه‌های مورد شکایت را خلاف قانون تشخیص نداده و مقرر داشت که با مذاقه در اوراق و محتوای پرونده برمبنای ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مسئول تنظیم و اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری بر اساس سیاست‌های کلی اقتصادی کشور است و به‌موجب ماده ۴ و ۲۳ قانون اصلاح قانون صدور چک، مقررره مورد شکایت خلاف قانون و خارج از اختیار نبوده لذا به استناد بند ب ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ رأی به رد شکایت صادر و اعلام می‌کند.^{۲۳}

۳-۴- ممنوعیت صدور دسته‌چک برای اشخاص معسر و ورشکسته

مقنن در ماده ۲۱ مکرر قانون جدید مقرر نموده که امکان صدور دسته‌چک جدید برای اشخاص ورشکسته، معسر از پرداخت محکوم‌به یا دارای چک برگشتی وجود ندارد. ماده ۶ قانون نحوه اجرای

۲۲. محمدهادی اسلامی، پیشین، ۳۹.

محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ در تعریف معسر بیان می‌دارد: «معسر کسی است که به دلیل نداشتن مالی به‌جز مستثنیات دین، قادر به تأدیه دیون خود نباشد. تبصره - عدم‌قابلیت دسترسی به مال در حکم نداشتن مال است. اثبات عدم‌قابلیت دسترسی به مال برعهده مدیون است». اطلاق کلمه «کسی» در صدر ماده ۶ به اشخاص حقیقی بازمی‌گردد و شخص حقوقی در صورت نداشتن مال، معسر تلقی نمی‌شود^{۲۴} و برای اشخاص حقوقی حتی اگر «غیرتجاری» باشند، نظیر مؤسسات علمی و یا توان‌بخشی، در صورت عدم‌قدرت به پرداخت دیون‌شان تنها درخواست ورشکستگی قابل طرح است.

ورشکستگی حالت تاجر حقیقی یا شخص حقوقی است که در پرداخت دیونش وقفه ایجاد شده است.^{۲۵} ماده ۴۱۸ قانون تجارت ایران نیز مقرر داشته است که: «در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد مدیر تصفیه، قائم‌مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد به‌جای او از اختیارات و حقوق مزبور استفاده کند.»

اما شخص معسر هیچ‌گونه ممنوعیتی در مداخله اموال خویش پس از صدور حکم اعسار نداشته و می‌تواند شخصاً اقدام به مداخله و معامله در اموال و حقوق مالی خویش نماید. سؤالی که درمورد ورشکسته مطرح است این است که آیا ممنوعیت صدور دسته‌چک برای او مطلق است یا در مواردی این ممنوعیت مصداق دارد که حکم ورشکستگی صادر و اموال ورشکسته درحال تصفیه است یا اموال او تصفیه هم شده و او در حالی است که هنوز اعاده اعتبار پیدا نکرده است؟ آیا اگر ورشکسته شخص حقیقی باشد ولی پس از انعقاد قرارداد ارفاقی اموال او در اختیارش قرار داده شده باشد باز نمی‌تواند از دسته‌چک استفاده کند؟ درموردی که ورشکسته شخص حقوقی است و اموال ورشکسته درحال تصفیه توسط مدیر تصفیه یا اداره تصفیه است، مدیر تصفیه نمی‌تواند برای پرداخت دیون ناشی از تعهدات شخص حقوقی از دسته‌چک استفاده کند؟ ماده ۲۱ مکرر به‌گونه‌ای تدوین شده که به هیچ‌یک از این سؤالات پاسخ نمی‌دهد.

به‌نظر ما در رابطه با این موضوع باید قائل به تفکیک شد. هرگاه ورشکسته شخص حقیقی باشد که موفق به انعقاد قرارداد ارفاقی نشده، نمی‌تواند از دسته‌چک استفاده کند؛ اما اگر موفق به انعقاد قرارداد ارفاقی شده باشد، چون اثر حکم ورشکستگی از او زایل می‌شود تا زمانی که مجدداً حکم ورشکستگی او صادر نشده از داشتن دسته‌چک ممنوع نیست، همان‌طور که او مستقلاً از تصرف در اموالش ممنوع نیست. مسئله اما در فرضی قابل تأمل است که ورشکسته شخص حقوقی است و برای پرداخت دیونش مدیر تصفیه مأمور به اقدام است. همان‌طور که گفته شد مدیر تصفیه در اعمال حقوقی راجع به شخص ورشکسته قائم‌مقام او است و چون ورشکسته، به حکم ماده ۲۱ مکرر مورد بحث، حق داشتن دسته‌چک ندارد، مدیر تصفیه هم نمی‌تواند از بانک‌ها درخواست صدور دسته‌چک کند. این

۲۴. یاسر میرزا جعفری، قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در نظم حقوق کنونی (تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۹۵)، ۳۵.

۲۵. ربیعا اسکینی، حقوق تجارت: ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۵)، ۱۸.

راه‌حل، البته، مطلوب و مناسب وضعیت اشخاص حقوقی نیست و قانونگذار می‌بایست، در رابطه با ممنوعیت داشتن دسته‌چک، توسط ورشکستگان دقت بیشتری می‌کرد و میان موارد یاد شده فوق، تفکیک قائل می‌شد.

۳-۵- مسئولیت مدنی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری

مطابق ماده ۵ مکرر اصلاحی «بعد از ثبت غیرقابل‌پرداخت بودن یا کسری مبلغ چک در سامانه یکپارچه بانک مرکزی، این سامانه مراتب را به صورت برخط به تمام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اطلاع می‌دهد. پس از گذشت بیست و چهار ساعت، کلیه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، حسب مورد، مکلفند تا هنگام رفع سوء اثر از چک، اقدامات زیر را نسبت به صاحب حساب اعمال نمایند: الف- عدم افتتاح هرگونه حساب و صدور کارت بانکی جدید؛ ب- مسدود کردن وجوه کلیه حساب‌ها و کارت‌های بانکی و هر مبلغ متعلق به صادرکننده که تحت هر عنوان نزد بانک یا مؤسسه اعتباری دارد به هر میزان کسری مبلغ چک، به ترتیب اعلامی از سوی بانک مرکزی؛ ج- عدم پرداخت هرگونه تسهیلات بانکی یا صدور ضمانت‌نامه‌های ارزی یا ریالی؛ د- عدم گشایش اعتبار اسنادی ارزی یا ریالی... تبصره ۵- بانک یا مؤسسه اعتباری حسب مورد، مسئول جبران خساراتی خواهند بود که از عدم انجام تکالیف مقرر در این ماده و تبصره‌های آن به اشخاص ثالث وارد شده است.»

درواقع بانک‌ها با عدم انجام تکالیف مقرر در ماده یادشده، موجب صدور چک‌های بلامحل دیگر و محروم نمودن دارنده چک برگشتی از دریافت وجوه مقرر در حساب‌های صادرکننده می‌گردند. این ترک فعل نه تنها سبب ورود خسارت دارنده چک برگشتی می‌گردد بلکه سبب ورود خسارت به گیرندگان چک‌های صادره بعدی نیز می‌شود.^{۲۶} مقنن در تبصره ۵ ماده مرقوم از واژه «ثالث» استفاده نموده و این نشان‌دهنده این است که جبران خسارت یادشده فقط به دارنده چک برگشتی محدود نبوده و کلیه دارندگان چک‌های اصداری را شامل می‌شود.

نتیجه:

مطالعه قانون جدید صدور چک متضمن نوآوری‌ای قابل ملاحظه‌ای است که هر کدام باهدف خاصی ایجاد شده‌اند. منع صدور و ظهرنویسی چک حامل پس از گذشت دو سال از لازم‌الاجرا شدن قانون، به منظور ایجاد مانع برای پول‌شویی است. امکان مطالبه وجه چک از طریق صدور اجرائیه توسط مرجع قضائی، برای تسریع در نقد کردن وجه چک‌های بی‌محل است. الزام مؤسسات مالی به انجام اعتبارسنجی برای صدور دسته‌چک برای مشتریان، برای ایجاد تأمین برای دارندگان وضع شده است. محروم کردن صادرکنندگان چک بلامحل از داشتن حساب جدید و اخذ اعتبارات، برای تنبیه آنها و محروم کردن اشخاص معسر و ورشکسته از داشتن دسته‌چک، برای پیشگیری از صدور چک‌های بی‌محل مقرر شده است.

۲۶. علی فتوحی راد، «حقوق دارنده چک و نوآوری‌های قانون اصلاحی صدور چک»، وکیل مدافع ۱۸ (۱۳۹۸)، ۷۸

منع صدور و ظهرنویسی چک حامل و جایگزین کردن ثبت انتقال چک در سامانه به جای ظهرنویسی، چک را از عداد اسناد براتی خارج و آن را در حد یک حواله بانکی قرار می‌دهد، زیرا در هر یک از این وضعیت‌ها، مسئولیت تضامنی جای خود را به مسئولیت مدنی می‌دهد.

پیش‌بینی صدور اجرائیه توسط دادگاه، برای مطالبه وجه چک امر مطلوبی است لیکن معلوم نیست که چرا، این طریق صدور اجرائیه به‌موازات صدور اجرائیه از طریق مقامات ثبتی نیز، در ماده ۳ قانون، قابل‌اعمال است. از نظر مقنن امکان بازداشت مدیون اجرائیه طبق قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی تمایز این دو قسم اجرائیه می‌باشد، این درحالی است که امکان بازداشت مدیون بدون رسیدگی و دفاع تناظری طرفین، برخلاف اصول بنیادین اجرای احکام مدنی است.

از همه پرسش‌برانگیزتر پیش‌بینی چک موردی برای کسانی است که بدون انجام اعتبارسنجی می‌توانند از آن برخوردار شوند که هم از این جهت به بعضی اشخاص اجازه می‌دهد، با استفاده از رانت از سد اعتبارسنجی بگذرند و هم از این حیث که می‌توانند به جای استفاده از اسناد تجاری مدت‌دار (برات و سفته) که متضمن پرداخت مالیات (به شکل الصاق تمبر) است، از چک استفاده کنند که مالیاتی به آن تعلق نمی‌گیرد.

اما قانونگذار، در اصلاحات جدید به بعضی سؤالات مهم که در رابطه با چک مطرح است و مقررات قبلی پاسخ روشنی برای آنها نداشت، توجه نکرده است. آیا، علاوه بر بانک‌ها، مؤسسات اعتباری دیگر هم می‌توانند دسته‌چک در اختیار مشتریان خود قرار دهند؟ آیا اسنادی که این نوع مؤسسات در اختیار مشتریان خود قرار می‌دهند و عنوان حواله روی آنها ذکر شده است را می‌توان چک تلقی کرد؟ به این پرسش کلیدی نیز پاسخی در قانون جدید داده نشده است که اگر چک دارای دو تاریخ صدور و پرداخت باشد، دارنده در کدام تاریخ می‌تواند وجه آن را مطالبه کند. این سؤال از این جهت قابل طرح است که ماده ۳ مکرر (مصوب ۱۳۸۲) پیش‌بینی کرده است که چک فقط در «تاریخ مندرج» در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول خواهد بود. منظور از تاریخ مندرج تاریخی است که در چک ذکر شده است و اگر چک یک تاریخ بیشتر نداشته باشد مشکلی در تعیین تاریخ وصول وجود ندارد ولی اگر دو تاریخ در چک قید شده باشد، تاریخ مقدم تاریخ چک است یا تاریخ مؤخر؟ آیا تاریخ مؤخر که به منزله تاریخ پرداخت است را باید به حکم ماده ۳۱۱ قانون تجارت که تعیین تاریخ پرداخت (وعده) را برای چک منع کرده است به منزله کان لم یکن بودن این تاریخ تلقی کرده و چک را فوراً، یعنی در تاریخ مقدم، قابل وصول بدانیم؟ یا باید به اراده طرفین در تعیین تاریخ پرداخت برای چک احترام گذاشته و چک را در تاریخ پرداخت (مؤخر) قابل وصول بدانیم و نه در تاریخ مقدم (تاریخ صدور)؟

قانونگذار، در تدوین قانون جدید به این سؤالات توجه نکرده است و تأکید بیشترش برای ایجاد قواعد بانکی برای کاهش تعداد چک‌های بلامحل است. آیا با خروج چک از زمره اسناد تجاری و تقلیل مقام او به یک سند حواله بانکی، قانونگذار را در رسیدن به این هدف یاری خواهد کرد؟ تجربه‌های آتی نشان خواهد داد تا چه حد این سیاست تقنینی قانونگذار به نتیجه مطلوب ختم میشود. مقررات اصلاحی در زمینه حذف ظهرنویسی فیزیکی و حذف صدور و ظهرنویسی چک در وجه حامل برخلاف اصل سرعت و قابلیت واگذاری و مبادله اسناد تجاری تلقی می‌شود. به نظر حذف موارد

یادشده به همراه امکان صدور چک موردی و عدم پاسخ روشن به ابهاماتی که پیش از این در خصوص چک وجود داشت، از معایب قانون جدید می باشد.



فهرست منابع:

- اخلاقی، بهروز. «تقریرات درس حقوق تجارت». گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۱۳۶۶-۱۳۶۷.
- اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک). تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۸.
- اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت تطبیقی. تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۴.
- اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت؛ کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۸.
- اسکینی، ربیعا. «وضعیت حقوقی ضامن اسناد تجاری در حقوق ایران و فرانسه»، در تأملاتی در حقوق تطبیقی، به اهتمام عباس کریمی، ۸۴-۹۳. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
- اسلامی، محمد هادی. قانون صدور چک در نظم حقوق کنونی. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۷.
- توکلی، محمد مهدی. بررسی نوآوری‌های قانون جدید صدور چک اصلاحی سال ۹۷. تهران: انتشارات مکتوب آخر، ۱۳۹۸.
- دمرچیلی، محمد، علی حاتمی و محسن قرائی. قانون تجارت در نظم حقوق کنونی. تهران: انتشارات میثاق عدالت، ۱۳۸۴.
- شمس، عبدالله. آیین دادرسی مدنی؛ دوره بنیادین. جلد دوم و سوم. تهران: انتشارات دراک، ۱۳۹۱.
- فتوحی راد، علی. «حقوق دارنده چک و نوآوری‌های قانون اصلاحی صدور چک». وکیل مدافع ۱۸ (۱۳۹۸): ۶۳-۸۸.
- فخاری، امیر حسین. «ضامن در چک». تحقیقات حقوقی ۲۳ و ۲۴ (۱۳۷۷): ۹-۱۸.
- عرفانی، محمود. حقوق تطبیقی. جلد ششم. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۵.
- کریمی، عباس. تأملاتی در حقوق تطبیقی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
- مسعودی، بابک. «اصول حاکم بر اسناد تجاری». مجله کانون وکلا ۱۷۱ (۱۳۷۹): ۱۰۱-۱۳۱.
- مهدوی، فرج‌اله. «ضرورت ایجاد رد یا در قانون چک»، بورس ۳۰ (۱۳۸۰): ۳۸-۴۰.
- میرزا جعفری، یاسر. قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در نظم حقوق کنونی. تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۹۵.